



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

کاوش‌های در فرهنگ عامه و قلم

به همراه فرهنگ ضرب‌المثل‌ها
کنایات و اصطلاحات

مصطفی خرسندی

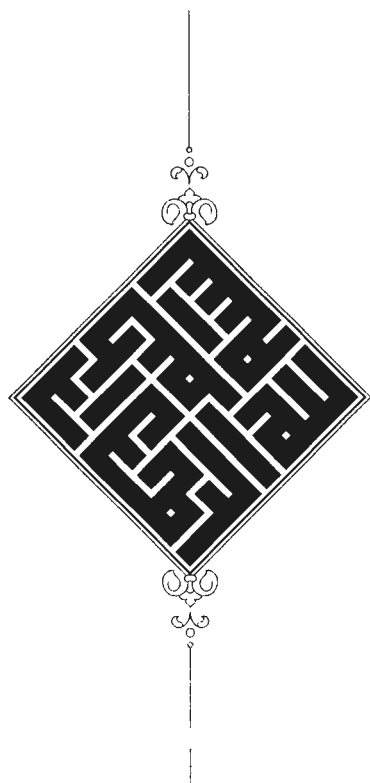
قم، خیابان دورشهر، خیابان سمیه، پلاک ۱۵	 نشر ادبیات ۱۸
انتشارات ادبیات	
کد پستی: ۳۷۱۵۸ / ۱۵۹۳۱	
تلفن: ۰۲۵ + ۳۷۷۳۲۰۱۱	
نمابر: ۰۲۵ + ۳۷۷۳۲۰۱۲	

۱۴۰۲

بررسی در سیر تاریخی، فرهنگی و زبانی یک ملت میتواند گامی مؤثر در شناخت و پاسداشت هویت و نظام کلی فرهنگی و ادبی مردمان یک منطقه خاص به شمار آید. برای نیل بدین مقصود باید این سیر، در تمامی نواحی و مناطق جغرافیایی تشکیل دهنده یک سرزمین به دقت بررسی شود تا با شناخت ویژگی‌های لازم هر یک از این مناطق بسان قطعه‌ای از یک جورچین بزرگ، در نهایت به یک ترسیم کلی از نظام تاریخی و فرهنگی (زبانی و ادبیات) یک ملت دست یابیم. از این رو در این نوشتار سعی شده است به شناخت و بررسی سیر تاریخی، فرهنگی و زبانی محدوده شهر قم در جایگاه بخشی از ایران زمین پرداخته شود تا گامی هرچند کوتاه و مختصر در راه حفظ، تثبیت و شناخت هر چه بهتر گوشه‌ای از هویت فرهنگی و اجتماعی مردمان یکی از اقالیم این سرزمین برداشته شده باشد.



9 786229 723135



محققان: خرسندی، مصطفی، ۱۳۷۰-

عنوان: کاوشی در فرهنگ عامه قم به همراه فرهنگ ضرب المثل ها، کنایات و اصطلاحات / نگارنده مصطفی خرسندی.

موضوع: قم: انتشارات ادبیات، ۱۴۰۲.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۲۳۱-۳-۵

فصلنامه: فرهنگ عامه

موضوع: فرهنگ عامه -- ایران -- قم

Folklore -- Iran -- Qom

قمی

Qomi dialect

اصطلاح ها و تعبیرها -- ایران -- قم

Terms and phrases -- Iran -- Qom

قم -- تاریخ

Qom (Iran) -- History

DSR۲۱۱۳

۹۵۵/۱۲۸۲

۹۱۸۷۷۴

کاوشے در فرهنگ عامه و قمر

— به همراه فرهنگ ضرب المثل ها —
کنایات و اصطلاحات

مصطفی خرسندی



نشر ادبیات

کاوشی در فرهنگ
عامه قم
به همراه فرهنگ ضرب المثل ها
کنایات و اصطلاحات

مصطفی خرسندی

ناشر: نشر ادبیات
امور هنری: استودیو "هاما"
نوبت و تاریخ چاپ: اول، زمستان ۱۴۰۲
چاپ و صحافی: چاپخانه بوستان کتاب
شمارگان: ۲۰۰ نسخه قیمت: ۴۸۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۲۳۱-۳-۵

حق چاپ و انتشار مخصوص و محفوظ نشر ادبیات است
نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از نشر ادبیات ممنوع است.

قم، خیابان دورشهر، خیابان سمیه، پلاک ۱۵
نشر ادبیات
کد پستی: ۳۷۱۵۸ / ۱۵۹۳۱
تلفن و نمابر: ۳۷۷۳۲۰۱۱ + ۰۲۵
همراه: ۰۹۱۲۲۵۱۹۹۰۱
erad1364@gmail.com

مرکز پخش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، شماره ۳۳، پخش دوستان

مرکز فروش

تهران: خیابان انقلاب، ابتدای خیابان دانشگاه، کتابفروشی توس

فهرست

۱	پیشگفتار
۷	مقدمه
فصل اول: قم: تاریخ، جغرافیا، مذهب / ۱۱	
۱۳	بخش اول: قم در دوره‌های گوناگون تاریخی
۱۳	قم در دوره‌های گوناگون تاریخی؛ پیش از اسلام
۱۳	ورود آریایی‌ها
۱۴	قم در دوران مادها
۱۴	قم در دوران هخامنشی
۱۵	قم در دوران سلوکیان
۱۵	قم در دوران پارت‌ها
۱۵	قم در دوران ساسانی
۱۷	قم در دوره‌های گوناگون تاریخی: عصر اسلامی
۲۰	قم در اوایل دوره اسلامی
۲۱	قم پناهگاه علویان
۲۳	قم از زمان اشعری‌ها تا پایان قرن دوم
۳۰	قم در دوران عباسیان
۳۱	استقلال قم در دوران هارون الرشید
۳۲	قم در دوران دیگر خلفای عباسی
۳۳	ورود حضرت معصومه (س) به قم
۴۰	قم در دوران آل بویه
۴۱	قم در دوران غزنویان

۴۲	قم در دوران سلجوقیان
۴۳	قم در دوران مغول، ایلخانیان و خاندان صفی
۴۶	قم در دوران تیموریان
۴۸	قم در دوران صفویه و افغان‌ها
۵۴	قم در دوران افشاریه
۵۵	قم در دوران زندیه
۵۵	قم در دوران قاجاریه
۵۷	قحطی بزرگ
۵۹	جنگ جهانی اول
۶۱	بخش دوم: جغرافیای قم
۶۱	مقدمه
۶۳	وجه تسمیه
۶۸	زمین‌شناسی و باستان‌شناسی قم
۷۰	فلات مرکزی ایران
۷۱	قم در روزگار نخستین
۷۳	بررسی اجمالی روند شکل‌گیری شهر و محله‌های قم
۷۳	شهر در فرهنگ ایران زمین
۷۴	شکل‌گیری منطقه شهری قم
۷۵	جغرافیای تاریخی شهر قم
۷۶	محله‌های قم
۷۹	روند شکل‌گیری محله‌ها در دوره اسلامی
۸۱	معرفی آثار، امکان و ابنیه قم پیش از اسلام
۸۷	بخش سوم: مذهب
۸۷	پیشینه مذهبی و فرهنگی قم
۸۹	مذهب
۹۰	قم و بست نشینی
۹۲	قم در آینه احادیث و روایات

فصل دوم: فرهنگ، زبان و باورهای عامیانه / ۹۹

۱۰۱	بخش اول: فرهنگ
۱۰۱	مقدمه
۱۰۲	فرهنگ

۱۰۶	فرهنگ عامه (فولکلور)
۱۱۲	پیشینه فولکلور
۱۲۱	بخش دوم: زبان
۱۲۱	مقدمه
۱۲۲	زبان، نهادی اجتماعی
۱۲۳	نمودهای زبانی
۱۲۶	جامعه زبانی و زبان معیار
۱۲۸	تنوع زبانی
۱۳۰	گونه
۱۳۰	لهجه و گویش
۱۳۳	دسته بندی گویش ها
۱۳۴	فواید گردآوری گویش ها
۱۳۵	تاریخچه زبان های ایرانی
۱۴۰	عوامل موثر در تغییرات زبانی
۱۴۱	ویژگی های گویش قمی
۱۴۲	مصوت ها (واکه ها)
۱۴۲	مصوت های بلند
۱۴۳	مصوت های کوتاه
۱۴۶	صامت ها (همخوان ها)
۱۵۱	ویژگی های دیگر ...
۱۵۳	آوانویسی الفبای فارسی
۱۵۵	بخش سوم: باورهای عامیانه و خرافات
۱۵۷	خرافه
۱۶۴	باورها و خرافات فردی و اجتماعی
۱۶۴	وجه اشتراک باورها و خرافات در ایران و سایر ملل
۱۶۵	مصادیق باورها و خرافات
۱۶۷	ریشه یابی باورهای عامیانه و خرافات
۱۶۷	ریخت شناسی باورها و خرافات
۱۶۸	عوامل تأثیرگذار در تشکیل و رواج باورهای عامیانه و خرافات
۱۶۹	ویژگی های باورها و خرافات
۱۷۲	باورهای مردمی و خرافات مردم قم

فصل سوم: ضرب المثل ها، واژگان، اصطلاحات و کنایات / ۲۰۹

۲۱۱	بخش اول: ضرب المثل ها
۲۱۱	مقدمه
۲۱۳	تعاریف
۲۱۵	تقسیم بندی امثال و حکم
۲۱۵	تمثیل و حکمت
۲۱۷	کارایی و کاربرد ضرب امثال
۲۱۸	نحوه بروز امثال در شعر
۲۱۸	پیشینه گردآوری امثال
۲۲۰	ضرب امثال در قم
۳۲۳	بخش دوم: واژگان، اصطلاحات و کنایات
۳۲۳	مقدمه
۵۴۳	کتاب نامه

پیشگفتار

بررسی در سیر تاریخی، فرهنگی و زبانی یک ملت می‌تواند گامی مؤثر در شناخت و پاسداشت هویت و نظام کلی فرهنگی و ادبی مردمان یک منطقه خاص به شمار آید. برای نیل بدین مقصود باید این سیر، در تمامی نواحی و مناطق جغرافیایی تشکیل‌دهنده یک سرزمین به دقت بررسی شود تا با شناخت ویژگی‌های لازم هریک از این مناطق بسان قطعه‌ای از یک جورچین بزرگ، درنهایت به یک ترسیم کلی از نظام تاریخی و فرهنگی (زبانی و ادبیات) یک ملت دست یابیم. از این رو در این نوشتار سعی شده است به شناخت و بررسی سیر تاریخی، فرهنگی و زبانی محدوده شهر قم در جایگاه بخشی از ایران زمین پرداخته شود تا گامی هرچند کوتاه و مختصر در راه حفظ، تثبیت و شناخت هرچه بهتر گوشه‌ای از هویت فرهنگی و اجتماعی مردمان یکی از اقالیم این سرزمین برداشته شده باشد.

در سه فصل این کتاب نهایت دقت و تلاش انجام شده است تا بلکه بتوان دینی را که بر ذمه خود احساس می‌کنم، ادا نمایم؛ آن هم در زمانه‌ای که نمودهای فرهنگ و ادب عامه به سرعت رو به فراموشی است؛ نیز درحالی که امروزه تقریباً در سراسر دنیا مراکزی برای تحقیق و پژوهش در زمینه فرهنگ و ادب عامه (فولکلور) وجود دارد و همگان به اهمیت این موضوع پی برده‌اند؛ متأسفانه در کشور ما هرچند مبحث فرهنگ و ادبیات عامیانه با بی‌توجهی گسترده‌ای در همه سطوح مواجه شده است، در شهرهای مختلف کم و بیش با تلاش‌های

دانشمندان و بزرگواران این حیطه آثار درخوری درمورد فرهنگ عامه به چاپ رسیده و در دسترس عموم قرار گرفته است.

درباره شهر قم قضیه زمانی اسفناک تر و دردناک ترمی شود که بدانیم ظاهراً هیچ عزم راسخی بین نهادهای دولتی مرتبط با فرهنگ این دیار برای فعالیت در این حوزه وجود ندارد. گواه این ادعا هم می تواند وجود نداشتن اثری مستقل و جامع در این باره باشد. هرچند در سالیان اخیر نهادها و مؤسسات به ظاهر مستقلی در زمینه پژوهش های جامع درمورد قم تشکیل شده اند؛ ولی باز هم همان طور که گفته شد در نسبت با سایر شهرهای کشور که جسته و گریخته آثاری در این زمینه دارند، در شهر قم به جز دو - سه اثری که بیشتر درمورد واژگان و ضرب المثل ها هستند که البته آنها هم بنا بر علایق شخصی مؤلفان انجام شده است، چیزی در دست نیست. بر همین اساس بدون هیچ گونه ادعایی سعی شده است در حد امکان گامی در این باره برداشته شود تا بلکه مسیر برای سایر علاقمندان به پژوهش در فرهنگ و ادبیات عامیانه قم هموارتر شود.^۱

در فصل اول سیر تاریخی قم به اجمال از دوران تاریخی پیش از اسلام تا پیروزی انقلاب اسلامی بررسی شده است. همچنین در این فصل درباره اطلاق نام قم بر این شهر و وجوه بنای آن از دوران اساطیری تا دوره اسلامی با ایراد دلایل و اسناد مرتبط توضیحاتی بیان شده است.

درباره تاریخ این دیار سعی شده است تا تمامی آنچه به طور مستند در مراجع مربوط آورده شده است، ارائه شود. دوران تاریخی شهر قم در دو دوره قبل و بعد از اسلام به تفکیک و با رعایت بحث تقدم زمانی بررسی شده است؛ همچنین در هر دوره تاریخی ویژگی های قم و اهل آن از دیدگاه یکی از مورخان، سیاحان و سفرنامه نویسان در پاورقی آورده شده است. در این فصل تاریخ شهر قم و رویدادهای رخ داده شده در هر دوره بیان شده و هر جا که لازم بوده، شرح بیشتری

۱. چنانچه بارها در خلال متن اشاراتی مبتنی بر نبود هیچ گونه ادعایی بر کامل و جامع بودن این مجموعه شده است لذا امید است کم و کاستی های این اثر را بر بنده ببخشایید و در ضمن هرگونه انتقاد، پیشنهاد یا موضوعی مرتبط با تاریخ و فرهنگ (واژگان، کنایات و ضرب المثل ها) شهر قم را به رایانامه khorsandi1917@gmail.com ارسال بفرمایید تا ان شاء الله به شرط توفیق در چاپ های آتی لحاظ گردد.

داده شده است و تلاش بر آن بوده است تا شباهت تاریخی موجود در هر عصر بی پاسخ نماند؛ در این باره می توان گفت شهر قم و اهل آن از نخستین دوران تاریخ به ویژه پس از ورود اسلام و پذیرش آیین و مذهب تشیع به دلیل پافشاری بر عقاید خود همیشه مورد هجوم سلسله ها، سلاطین، حکومت ها و حكام مختلف در طول تاریخ قرار گرفته اند؛ به گونه ای که گویی تاخت و تاز و قتل و نهب و غارت این شهر و مردمانش وظیفه ای تاریخی برای جباران هر دوران بوده است. افزون بر جور و ظلم و استیلای نابه حق بشر بر بشر، باید از ناملاایمتی های طبیعت هم سخن به میان آورد؛ چنان که به تفصیل از وقایع سیل و زلزله و قحطی های طبیعی و خودساخته یاد شده است. همچنین به نظر می رسد افزون بر مسائل و مصایب پیش گفته، مجموعه ای از اقدامات با بار روانی منفی علیه قم و اهل آن به وجود آورده شده که سعی در منزوی کردن و افراطی نشان دادن مردم قم داشته است که این موضوع در طول تاریخ دامنگیر مردمان این خطه شده است، چنان که تحت تأثیر همین عامل روانی بارها بر اثر سعایت مردمان سایر مناطق، این شهر مورد تجاوز قرار گرفته است که متأسفانه هنوز هم این طرز تفکر در اذهان و افواه مردمان سایر بلاد این مملکت جاری و ساری است.

آنچه در مورد پیشینه شهر قم در کتب تاریخی آمده و سبب به وجود آمدن شباهتی در ذهن علاقمندان و اهالی این شهر شده، این است که آیا قم در جایگاه یک شهر قبل از اسلام و پیش از ورود اعراب به این منطقه وجود داشته است یا خیر؟ از همین روی با جستار در مطالب و منابع مختلف و آثار و ابنیه و اماکن به جای مانده از دوران پیش از اسلام، با ارائه دلایلی مستند و متقن، وجود شهر قم پیش از اسلام و ورود اعراب مسجّل شده است. در نهایت شاید تنها وجهی که بتوان از آن برای توجیه آنچه در منابع گوناگون از قم در جایگاه شهری مستحّدث پس از اسلام یاد می شود، نام برد، این باشد که پس از استقرار و تثبیت جایگاه اعراب (اشعریان) در ناحیه قم و کنار زدن سران عجم و بومیان این سرزمین، شهر باستانی و منطقه تحت سکونت بومیان قم مطرود ماند و شهر و منطقه مسکونی جدیدی در جوار همان شهر باستانی ساخته شد. پس از آن و در ادامه سیر تاریخی این شهر تا

قرن نهم مسئله و شبهه‌ای خاص وجود ندارد تا اینکه در بسیاری از منابع و مراجع مربوط به آن دوران از حمله وحشیانه تیمور، نواده چنگیزخان به این شهر یاد کرده‌اند؛ حال آنکه با بررسی ساده در برخی کتب مرتبط به لشکرکشی‌های تیمور، می‌توان این قضیه را از اساس منکر شد. چنان‌که از این آثار چنین استنباط می‌شود که لشکر فاتح تیمور نه تنها به این شهر تاخت و تازی نداشته است، بلکه اصلاً از این ناحیه به رسم عبور هم گذر نکرده است.

در فصل دوم به بررسی و معرفی فرهنگ، زبان و باورهای عامیانه و خرافات پرداخته شده است. در این فصل درباره جنبه‌هایی از موضوعات مذکور صحبت شده که با توجه به نوع نگارشی که در این باره به کار گرفته شده است، باید گفت تا کنون در پژوهش‌های مرتبط با این شهر مغفول مانده بوده است و از این حیث می‌توان این فصل را به نوعی نوآوری در امر پژوهش‌های مرتبط در حوزه شهر قم دانست. در دنباله مطالب این فصل پس از پیش درآمدی نسبتاً کوتاه در مورد جنبه‌ها و انواع گونه‌های زبانی و همچنین تاریخچه زبان‌های ایرانی، به معرفی و بررسی نظام زبانی گویش قمی پرداخته شده و ویژگی‌های آوایی این گویش بررسی شده است. همچنین در ادامه این فصل و پس از توضیحات مقدماتی، مصادیقی از آنچه با عنوان باورهای عامیانه و خرافات یاد می‌شود، بیان شده است. نکته قابل تأمل در این باره، پابندی بیش از اندازه برخی از مردم قم به باورها و خرافاتی است که گاه چنان در عمق افکار و عقاید آنها جای گرفته است که نمی‌توان حدّ و مرزی برای درستی و نادرستی این باورها و خرافات از هم قایل شد و متأسفانه بسیاری از باورها و خرافات با مسائل شرعی و مذهبی هم آغشته شده است که این موضوع می‌تواند بسیار خطرناک به شمار آید؛ چون با اعتراض به وجود چنین اعتقادات خرافی، تا مرز تکفیر شخص معترض پیش می‌روند.

سومین و آخرین فصل دربرگیرنده دو بخش ضرب‌المثل‌ها و واژگان، اصطلاحات و کنایات است که مطابق با فهرست الفبایی، ضرب‌المثل‌ها و واژگان متداول در گویش قمی گردآوری شده است. این فصل دربرگیرنده

ضرب المثل‌ها و واژگان، اصطلاحات و کنایات متداول و رایج بر زبان مردم این دیار است، نه ضرب المثل‌ها، واژگان و... خاص این شهر؛ با این وجود سعی شده است در تحقیقات و مصاحبه‌های میدانی و گردآوری شده در این فصل از افراد بومی، اصیل و مسن‌تر استفاده شود تا اصول مطروح در این دسته از پژوهش‌ها رعایت شده باشد.

بر خویشتن فرض می‌دانم پس از حمد و سپاس خدای که توفیق کسب علم و دانش و معرفت را به ما عطا فرمود، به حکم «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ» از همه کسانی که در طول دوران تحصیل از محضرشان آموخته‌ام، سپاس‌گزاری نمایم، به ویژه آموزگار بزرگوارم دکتر احمد رضایی جمکرانی که بر من منت نهادند و راهنمایی بنده را در مسیر نگارش این اثر پذیرفتند؛ همچنین از خانواده عزیزم که همواره با حمایت‌های بی دریغ خودشان مایه دلگرمی حقیر بوده و هستند و نیز جناب آقای حاج حسین خلیلی که در امر جمع‌آوری ضرب المثل‌ها بنده را همراهی کردند و جناب استاد جویا جهانبخش که با توصیه‌های حکیمانه خود جان تازه‌ای به این اثر بخشیدند و همچنین تمامی عوامل کتابخانه تخصصی ادبیات که در مدت نگارش و پژوهش این مجموعه بنده را تحمل و یاری کردند. در نهایت به طور خاص از تمامی دوستان و مردم نیکومنش و با معرفتی که در مصاحبه‌های بسیار برای انجام پژوهش حاضر، با حوصله و اشتیاق فراوان به تکمیل این اثر کمک کردند، قدردانی می‌کنم. توفیقات روزافزون همگان را از پروردگار متعال مسئلت می‌نمایم.

مصطفی خرسندی

مقدمه

«وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَأْنِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ»^۱ و از نشانه‌های الهی آفرینش آسمان‌ها و زمین است و دیگر تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شماسست. همانا در این امر برای دانشمندان نشانه‌هایی آشکار و قطعی است.

زبان مهم‌ترین وجه تمایز انسان با سایر مخلوقات به شمار می‌آید و در راه کشف و درک دنیای پیش روی او نقش بسیار برجسته‌ای دارد. زبان در شناخت هستی، توضیح و تفسیر آن یاری‌دهنده آدمی است. افزون بر این زبان هر قوم و ملیتی در برابر زبان‌های دیگر ملل متفاوت است که همین مسئله، نشان‌دهنده آن است که زبان هر کشور بخشی از هویت فرهنگی و اجتماعی آن سرزمین است و شناخت این هویت و پاسداری از آن، آگاهی از داشته‌ها و پاسداشت فرهنگ خویش است. باید توجه داشت در هر زبان، گویش‌های متعددی وجود دارد که ممکن است در یک منطقه خاص جغرافیایی و یا فرهنگی مورد استفاده گویشوران آن قرار گیرد که تحقیق و بررسی این بخش از زبان یعنی گویش‌ها یکی از موضوعات علم زبان‌شناسی است. به کمک زبان‌شناسی و آگاهی از تعدد و کم و کیف گویش‌ها می‌توان به توانایی‌ها و امکانات یک زبان پی برد. گویش‌ها خود دربردارنده نظام فرهنگی و فکری هستند.

امروزه با توجه به مسائلی مانند جهانی شدن، گسترش شبکه‌های ارتباطی و... بسیاری از گویش‌ها فراموش شده‌اند یا در بوتۀ نسیان قرار گرفته‌اند که در این صورت و در کنار ازدست رفتن هر گویش، درواقع باید گفت یک نظام فرهنگی از میان می‌رود؛ نظامی که از عرصه‌های مختلف زبان، فرهنگ و اندیشه تشکیل شده است.

گویش قمی یکی از گویش‌های زبان فارسی است که بیان‌کننده فرهنگ و هویت بخشی از مردم این سرزمین و بیان‌کننده رابطه مردمان و گویشوران آن با یکدیگر است. گویش قمی با توجه به موقعیت جغرافیایی شهر قم و محل قرارگرفتن آن شاخه‌ای از گویش‌های ناحیه مرکزی ایران به شمار می‌آید. این گویش واجد مختصات آوایی و به‌ویژه واژگانی است که موجب تمایز آن از دیگر گویش‌های این حوزه جغرافیایی می‌شود. افزون بر آن، این گویش دربردارنده ساختارهای کنایی، ضرب‌المثل‌ها، اشعار و در کنار آن قلمرو گسترده‌ای از دیگر دستاوردهای فکری و فرهنگی مانند افسانه‌ها و حکایات است.

پژوهش در کرانه‌های گویش قمی می‌تواند گامی مؤثر در شناساندن ابعاد مختلف آن و حفظ و ثبت این نمایه فرهنگی و جغرافیایی باشد؛ بنابراین در ادامه این پژوهش در سه فصل، سعی در معرفی و بررسی لایه‌های گوناگون مرتبط با این گویش و مردمانش را داشته‌ایم.

با توجه به مسائل و عوامل دگرگون‌کننده‌ای که امروزه بسیاری از گویش‌های زبانی را تهدید و در خطر فراموشی و نابودی قرار می‌دهد، به نظر می‌رسد با نگارش و ثبت چنین اثری اندکی بتوان از میزان زوال و یا فراموشی این گویش کاست. در مورد بررسی گویش قمی متأسفانه آثاری که بتوان از آنها در جایگاه اثری جامع و درخور یاد کرد، وجود ندارد؛ اما به هر ترتیب کتاب فارسی قمی به کوشش دکتر علی‌اشرف صادقی و کتاب لغات و کنایات قم تألیف محمد قاضی از جمله آثاری است که به جمع‌آوری واژگان پرداخته‌اند. البته دکتر صادقی در بخش ابتدایی اثر خود به اجمال و مختصر به مباحث زبانی هم اشاره کرده‌اند. همچنین سیدعلی ملکوتی در کتاب فرهنگواره کنایی و امثال قمی به گردآوری

ضرب‌المثل‌های رایج در قم پرداخته‌اند که به حق باید گفت در این حیطه اثری شایسته است؛ اما در نهایت باید گفت همچنان جای اثری که به تفصیل به این حوزه (گویش قمی) ورود کرده باشد، خالی به نظر می‌رسد.

اهداف مدنظر از انجام این نگارش را می‌توان چنین بیان کرد که این اثر اقدامی است برای حفظ و جلوگیری از فراموشی گویش قمی در جایگاه میراثی فرهنگی و زبانی که از گذشتگان و گذشته‌های دور به دست ما رسیده است و بر ماست تا با پاسداشت از آن، این میراث گرانبها را به نسل‌های آینده بسپاریم؛ همچنین تلاشی است برای زنده نگه داشتن فرهنگ اصیل ایرانی که به نظر می‌رسد در روزگار ما مورد غفلت قرار گرفته است و کمتر توجهی به این بخش از هویت فرهنگی، تمدنی و تاریخی سرزمین مان می‌شود.

فصل اول

قم: تاریخ، جغرافیا، مذهب

بخش اول: قم در دوره‌های گوناگون تاریخی

قم در دوره‌های گوناگون تاریخی؛ پیش از اسلام

ورود آریایی‌ها

در سیر تاریخی قم، یکی از مسائلی که سبب دگرگونی‌هایی در بحث فرهنگ و تمدن قم پیش از تاریخ شده است، ورود قوم آریایی به این مناطق می‌باشد که شواهد و قرائن موجود صحت این ادعا را اثبات می‌کند.

عده‌ای از مورخان و پژوهشگران پیدایش آریاها در ایران را در هزاره چهارم یا سوم پیش از میلاد دانسته‌اند؛ «در اواخر دوره آریایی‌ها در ایران در هزاره اول قبل از میلاد در اطراف قم آثاری از این دوره به دست آمده است که این دوره مقارن با اوایل دوره مادها می‌باشد» (رحمانی مختار، ۱۳۸۴: ۴۵). با این وجود درباره آثار برجای مانده از دوره آریایی‌ها باید گفت چون ورود آریایی‌ها در عصر آهن رخ داده است، بهتر می‌توان به شناسایی این آثار پرداخت که از جمله این آثار می‌توان به تپه صرم و تپه قلّی درویش اشاره کرد. در تپه صرم در جنوب شرقی استان قم «صدها گور مملو از اشیاء و داده‌های باستان‌شناسی مردمان عصر آهن به دست آمده است یا اینکه در تپه قلّی درویش بر روی بقایای عصر برنز بقایای فراوانی از معماری و زندگی روزمره و یا مکان‌های مذهبی همراه با اشیاء آیینی مردمان عصر آهن (۸۰۰ تا ۱۴۰۰ پیش از میلاد) به دست آمده، این در حالی است که آثار دیگری

مربوط به عصر آهن از محوطه باستانی شمشیرگاه به دست آمده است» (مقیم و عباس زاده، ۱۳۹۷: ۲۵).

قم در دوران مادها

اواخر دوره آریایی ها مصادف با اوایل دوره مادهاست که برای این دوره از تاریخ تقسیم بندی هایی انجام شده است؛ از جمله دیاکونف سرزمین ماد را دربرگیرنده سه بخش می داند: ۱. ماد آتروپاتن؛ ۲. ماد سفلی؛ ۳. ماد پارتاکنا که سرزمین قم و حوالی آن جزء ماد سفلی بود. بدین شرح که حوزه دریاچه حوض سلطان و دریاچه نمک و دره رودهای ابهر و قره سو و رود قم را شامل می شد (رحمانی مختار، ۱۳۸۴: ۴۵).

بنابراین می توان نتیجه گرفت منطقه ای که هم اکنون با عنوان قم شناخته می شود، در آغاز دوران تاریخی جزئی از سرزمین ماد بزرگ بوده است. از لحاظ آثار تاریخی برجای مانده از دوره مادها در قم باید گفت در روستای صرم آثاری مربوط به این دوره به دست آمده است؛ همچنین در نزدیکی قم و در نزدیکی کوه یزدان مجسمه ای کشف شده است که ظاهراً بتی متعلق به بتکده ای در همان نواحی بوده که با بررسی های بعدی پایه های آن نیز کشف شده است.

قم در دوران هخامنشی

از شهر قم در زمان هخامنشیان اطلاعات قابل توجهی در دسترس نیست؛ فقط می توان به این نکته اشاره کرد که در کتب تاریخی مربوط به آن دوره، از شهر قم با عنوان «ترمنتیکا» نام برده شده است و بنا بر آنچه نقل شده است مربوط به حمله اسکندر و ویرانی این شهر است؛ البته به شرط صحیح موضوع، می توان به درستی این ادعا مبنی بر وجود این شهر در آن زمان پی برد؛ اما از لحاظ آثار برجای مانده از دوره هخامنشی هم چنان که از گفته های مورخان و دانشمندان این حوزه برمی آید، اثری از دوره هخامنشی در این شهر به دست نیامده است؛ ولی ظاهراً «در چند کیلومتری قم مخصوصاً در منطقه کوشک نصرت آثاری از دوره هخامنشی به دست آمده است» (رحمانی مختار، ۱۳۸۴: ۵۰).

قم در دوران سلوکیان

برای اطلاع از تاریخ قم در دوره یا دوره‌های بعدی باید از آثار برجای مانده از آن دوران کمک گرفت؛ برای مثال دانسته‌های اندک ما از قم دوره سلوکیان به لوحی باقی مانده از آن زمان برمی‌گردد. در آن لوح اطلاعات بسیار کمی وجود دارد که تنها از وجود قم در آن دوره اطمینان حاصل کنیم؛ چنان‌که «به استناد لوحه سلوکی "پئوتینگرایا" (بازمانده از قرن دوم پیش از میلاد) و راهنماه پارتی ایزدورخاراکسی (بازمانده از قرن اول پیش از میلاد) و نیز گواهی ماکسیم سیرو (باستان‌شناس معاصر که آتشکده‌های منطقه را مطالعه کرده است)، [قم] بر سر راه اصلی مشرق‌زمین و مرکز ارتباطات بوده است» (بنایی (الف)، ۱۳۹۰: ۱۵).^۱

قم در دوران پارت‌ها

از دوره پارت‌ها آثار و بناهایی مانند قلعه، دژ و... مربوط به آن دوره در قم و اطراف آن و همچنین در حوالی کویر نمک برجای مانده است. نکته مهم دیگر این است که «در جنوب قم و بر سر راه قم به اصفهان روستایی به نام جاسب می‌باشد که بنیاد آنجا را به دوره پارت‌ها نسبت می‌دهند و می‌گویند که در موقع لشکرکشی‌ها جاسب محل توقف لشکریان و اسطبل اسبان بوده که اول نام آن جای اسب بود سپس به جاسب تبدیل شد» (رحمانی مختار، ۱۳۸۴: ۵۳ و ۵۴).

قم در دوران ساسانی

قم در دوره ساسانی شاید مهم‌ترین بخش از تاریخ قم پیش از اسلام باشد؛ از این رو که اگر هنوز کسانی با این باور وجود داشته باشند که قم را از شهرهای نوبنیاد و تازه تأسیس (مستحدثه) اسلامی می‌دانند و پیدایش این شهر را هم‌زمان با ورود اسلام و فتح این منطقه به شمار می‌آورند، با تأمل و مطالعه در این بخش و

۱. در پاورقی ذیل همین مطلب آمده است که «لوحه یونانی «پئوتینگرایا» و یا «پویتینگر» کشف شده در غرب فلات ایران به کوشش ویلهم توماشیک (اتریشی) در کتاب جغرافیای تاریخی ایران بازخوانی شده است... در این لوحه از قم با نام «ثرمانتیکا» *Thermantika* در کنار ساوه یاد شده است... پژوهش در معنای این واژه یونانی، ممکن است به فهم معنای «قم» کمک کند.

ارائه ادله‌ای با توجه به آنچه در کتب تاریخی مربوط به آن دوران ثبت شده است و همچنین وجود آثار، ابنیه، اماکن و... متعلق به دوره‌های پیش از اسلام که شمه‌ای از آنها بیان شد و در ادامه هم سعی خواهد شد معرفی کامل‌تری از آنها ارائه شود، در دیدگاه خود تجدید نظر کنند؛ هرچند در این نوشتار قرار نیست به هیچ‌وجه سعی و تلاشی مبنی بر مقایسه شهر قم در پیش یا بعد از اسلام انجام شود یا به مباحثی پرداخته شود که به تثبیت وجود شهر قم قبل از اسلام ورد نظرات مورخانی که این نظریات را بیان کرده‌اند؛ چراکه به اندازه کافی در این باب دلایل و عوامل مرتبط ارائه شده است که جای هیچ شک و تردیدی را درباره قدمت این شهر باقی نمی‌گذارد. مقالات و کتب فراوانی درباره اثبات قدمت شهر قم پیش از این نگاشته شده‌اند که به خوبی از پس این کار برآمده‌اند و حق مطلب را ادا کرده‌اند؛ بنابراین هرگونه سخنی در این باره فقط موجب اطاله کلام خواهد شد؛ ولی با توجه به مباحثی که در این بخش ارائه خواهد شد، خود به خود به نکاتی برمی‌خوریم که گواهی بر درستی این ادعا (قدمت شهر قم) می‌دهد که البته خالی از لطف نیست گذرا به مرور آنها پرداخته شود. در ابتدا با اطمینان می‌توان گفت بر اساس گفته مورخان، سیاحان، باستان‌شناسان و آنچه از کتاب‌های تاریخی و آثار و شواهد به دست می‌آید، شهر قم در زمان ساسانیان یکی از شهرهای مهم ایران به شمار می‌رفته است.

یکی از دلایل مهمی که ما را در رساندن به این نکته یاری می‌رساند، موقعیت خاص جغرافیایی این شهر است؛ در کتاب گنجینه آثار قم روشن‌ترین دلیل قدمت شهر قم، مکان جغرافیایی و انشعاب راه‌های عمده تجاری از آن ناحیه دانسته شده است (فیض، ۱۳۴۹: ۷۰). همچنین پاکزاد منطقه قم را به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص و منحصر به فرد آن، محل عبور و مرور و برخورد راه‌های مقارن ورود اسلام می‌داند و باورمند است همین خطوط ارتباطی در دوران اسلامی اهمیتی بیش از پیش یافته است (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۱۸۹). البته بعضی از همین نکته بهره برده‌اند و چنین اظهار نظر کرده‌اند که به واسطه همین موقعیت خاص جغرافیایی و به حکم اقتضای مکانی شهر قم یعنی قرارگیری میان

شهرهای آباد و بزرگ آن روزگار، یعنی ری و اصفهان و همچنین تا حدودی هم نزدیکی به همدان، سبب شده است تا قم نیز تا حدودی سر و شکل شهری آن زمان را به خود بگیرد و در واقع قرارگرفتن در حد فاصل راه‌های ارتباطی این شهرهای بزرگ را باعث رونق قم دانسته‌اند؛ البته این نکته جای نقد هم دارد؛ از جمله آبادی‌های دیگری هم در همین حد فاصل قرار داشته‌اند؛ اما از هیچ‌یک از آنها سخنی تا این حد که از قم به میان آمده است، نرفته است؛ هرچند گروهی نیز باورمندند خود این موقعیت یعنی قرارگیری بر سر راه دو یا چند شهر بزرگ آن روزگار، مانع از رشد و شکوفایی قم تا اندازه‌ای که شایسته باشد، شده است. «جدای از خشکی زمین‌ها، که یکی از عمده‌ترین محدودیت‌ها در توسعه قم به شمار می‌رود، این حقیقت که شهر قم هم‌مرز با شهرهای توسعه‌یافته ری، همدان و اصفهان است، مانع از توسعه این ناحیه به صورت مستقل یا نیمه مستقل شده است» (ارجمند، ۱۳۷۴: ۴). با این وجود جدای از این مباحث، نمی‌توان به یقین گفت قم از چه زمانی به صورت شهر درآمد؛ ولی از قراین مشخص می‌شود قرن‌ها پیش از اسلام وجود داشته است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۵۶۴۶).

قم در دوره‌های گوناگون تاریخی: عصر اسلامی

در این قسمت به شناسایی منطقه قم در عصر اسلامی پرداخته خواهد شد و نگاهی به سیر تاریخی این شهر در سرتاسر دوره اسلامی انداخته می‌شود؛ شهری که در طول تاریخ به‌ویژه بعد از ورود اسلام و پذیرش آن توسط مردمانش، فرازونشیب‌های زیادی را تجربه کرده است. البته مردمان قم به دلیل داشتن مذهب تشیع و پای‌بندی شدیدی که به عقاید بر حق خود در جانب‌داری از خاندان عصمت و طهارت (ع) داشته‌اند، در معرض بیشترین هجمه‌ها و نامهربانی‌ها قرار گرفته‌اند؛ بدین دلیل که مردم قم به گواهی تاریخ شاید تنها کسانی از اهل یک شهر باشند که از همان ابتدا دین اسلام را همراه با مذهب تشیع پذیرفتند و در این راه استوار و ثابت‌قدم ماندند. البته باید به این نکته توجه خاصی داشت که افزون بر محبت اهل قم به حضرت علی (ع) و فرزندان پاک

ایشان که موجب گسترش مذهب تشیع در این شهر شد، عامل مهم دیگر یعنی نقش ترویج دهندگان این مذهب را نباید فراموش کرد که از همان ابتدا دین اسلام را همراه با مذهب تشیع بر این شهر عرضه کرده‌اند. نکته دیگر اینکه ورود اسلام و تشیع در تاریخ قم را باید در یک زمان در نظر گرفت که در همان نیمه دوم قرن نخست که تشیع به قم ورود پیدا کرد، بخش قابل توجه و مهمی از مردم قم آن را پذیرفتند و به این مذهب گرویدند تا جایی که مدرسی طباطبایی به نقل از تاریخ بلعمی و تاریخ ابن خلدون می‌گوید: «در سال ۷۷ که مطرف بن مغیره به قم آمده و از مردم شهر برای خویش بیعت گرفت، مسلمانان این شهر همه بر مذهب شیعه بوده‌اند» (مدرسی طباطبائی، ۱۳۵۰: ۱۱۱). همچنین «در طول تاریخ نام قم با مذهب شیعه مساوی بوده است» (فقیهی، ۱۳۹۰: ۶۱) و در ابراز دوستی و مودت خود به آل‌الله ابایی نداشتند که همین مورد باعث شده است مردمان قم رنج‌ها و آسیب‌های فراوانی متحمل شوند. بارها شهر قم تا حد نابودی پیش رفته است؛ حتی چند مرتبه مردمانش در راه اعتقادات‌شان قتل شده‌اند.

بنا بر آنچه بیشتر مورخان بیان کرده‌اند، منطقه و شهر قم در سال ۲۳ هجری توسط سپاه اسلام در زمان خلیفه دوم و به سرکردگی ابوموسی اشعری فتح شده است؛ هرچند بعضی معتقدند «فتح اصفهان و توابع آن، یعنی قم و کاشان در سال ۲۱ قمری به دست عبدالله بن عثمان و عبدالله بن ورقاء ریاحی انجام گرفته است» (قمی (مفلس)، ۱۳۹۱: ۷۵). اما همان‌طور که گفته شد، بیشتر کتب تاریخی فتح قم را به دست ابوموسی اشعری در سال ۲۳ دانسته‌اند؛ از جمله در فتوح البلدان بلاذری آمده است: «درست‌ترین خبرها آن است که ابوموسی قم و کاشان و عبدالله بن بدیل، جی و یهودیه را فتح کردند»^۱ (بلاذری، ۱۳۳۷: ۴۴۱).

عده‌ای می‌گویند پس از فتح قم توسط مسلمانان، ابوموسی دین اسلام را بر اهالی آن عرضه کرد که مورد موافقت آنها واقع نشد و پذیرفتند در قبال پرداخت

۱. همچنین در منابع دیگر آمده است «ابوموسی قم و کاشان را بگرفت» (ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۵۳۰).

جزیه همچنان بر آیین سابق خود باقی بمانند؛ اما به یقین می‌توان گفت شهر قم اولین مرکز تشیع در ایران بوده است؛ زیرا بنا بر گواه اغلب مستندات تاریخی سابقه این مذهب در قم به اواسط نیمه دوم قرن نخست هجری بازمی‌گردد؛ یعنی درست زمانی که مردمان سایر بلاد ایران زمین در سرگردانی پذیرش یا عدم پذیرش آیین جدید (اسلام) بودند، اهل قم راه خود را یافته بودند (جلالی عزیزیان، ۱۳۷۹: ۲۱۱) به گونه‌ای که گفته می‌شود «به هنگامی که در تمام بلاد ایران جز تسنن و یا مذهب زرتشتی که آیین سابق اهل این سرزمین بود، مذهبی پیروی نمی‌شد، مردم قم مذهب تشیع را پیروی می‌کردند و زمانی که شیعیان اهل بیت به رمز و اشاره از پیشوایان خود نام می‌بردند، قمی‌ها مذهب تشیع را تبلیغ می‌کردند» (فقیهی، ۱۳۸۸: شماره ۷۹).

با توجه به آنچه از عبارات و روایات برمی‌آید، باید گفت اولین شیعه این دیار شیعه‌ای امامی بوده است که البته این بدان معنا نیست که تشیع بعد از کامل شدن امامت اثنی عشریه در قم نمود و نمو پیدا کرد، بلکه از همان صدر اسلام مکتب و مذهب تشیع در قم طوری نمایان شد که اهالی این سامان بنا بر تبعیت از اهل بیت رسالت، پس از شهادت هر امام، با بررسی و تحقیق مجدانه ویژگی‌های امام بعدی را شناسایی می‌کردند و پس از آن به پیروی محض از امام خویش می‌پرداختند و این اقدام را تا منتهای دوران غیبت صغری پی گرفتند؛ به گونه‌ای که حتی در آن زمان هم ارتباط و پیوندی ناگسستنی با نواب اربعه حضرت مهدی (عج) داشتند.

برای اثبات ادعای تشیع اثنی عشریه مردم قم می‌توان از شواهد موجود تاریخی بهره گرفت که در ادامه این مباحث به برخی از آنها اشاره خواهد شد. آنجا که سخن از قم و اهل آن می‌شود، بیشتر مورخین و جغرافی دانان از اهالی قم در جایگاه شیعه اثنی عشریه یا حتی شیعه غالی نام می‌برند. در باب تعصب مذهبی مردم قم داستان‌هایی مبنی بر عاری بودن قم از پیروان دیگر مذاهب اسلامی بیان شده است که می‌توان آنها را در کتب تاریخی ملاحظه و مطالعه کرد.